

رابطه چند وجهی کیارستمی و کوروساوا؛

ملاقات با یک اسطوره

رابطه کوروساوا و کیارستمی از نظر شخصی شاید به ملاقات‌های حضوری یا مکاتبات گسترده نرسیده باشد، اما از طریق آثار، گفته‌ها و پیام‌های غیرمستقیم، یک پیوند عمیق هنری و انسانی میان آن‌ها شکل گرفته است. برای کیارستمی، تحسین کوروساوا نه فقط یک تأیید هنری، بلکه یک حمایت عاطفی و الهام‌بخش در مسیر حرفه‌اش بود. برای کوروساوا نیز، آثار کیارستمی یادآور همان خلوص و اصالتی بود که او در سینما جست‌وجو می‌کرد.

رابطه میان آکیرا کوروساوا و عباس کیارستمی نه فقط رابط‌ای میان دو فیلم‌ساز برجسته، بلکه بازتابی از گفت‌وگوی عمیق میان فرهنگ‌ها، سبک‌های سینمایی و نگرش به انسان و جهان است. در ادامه، این رابطه را از جنبه‌های مختلف و با جزئیات بیشتر بررسی می‌کنیم.

تحسین و احترام متقابل

آکیرا کوروساوا از جمله فیلم‌سازانی بود که به‌ندرت از هم‌عصران خود به صراحت تعریف می‌کرد، اما درباره کیارستمی استثنا قائل شد. او فیلم‌های کیارستمی را ستایش می‌کرد و معتقد بود که آثار او توانسته‌اند حقیقت زندگی را با سادگی و شاعرانگی به تصویر بکشند. کوروساوا در جایی گفته بود: «فیلم‌های کیارستمی یادآور این هستند که سینما می‌تواند هم ساده و هم پیچیده باشد؛ ساده در ظاهر و عمیق در مفهوم».

این تحسین برای کیارستمی به معنای بسیار زیادی بود، چرا که کوروساوا نه فقط یک فیلم‌ساز بزرگ، بلکه الگویی برای بسیاری از سینماگران سراسر دنیا بود. کیارستمی نیز در گفت‌وگوهای مختلف اشاره کرده که کوروساوا برای او یک نماد است، نه فقط به خاطر تکنیک‌های بی‌نظیرش، بلکه به خاطر عمق نگاه انسانی در آثارش.

کیارستمی درباره کوروساوا گفته بود: «فیلم‌های کوروساوا نشان دادند که چطور می‌توان از یک داستان محلی، روایتی جهانی ساخت».

تفاوت‌های سبک‌شناسی و جهان‌بینی

با وجود احترام متقابل، کوروساوا و کیارستمی دو نماینده از سبک‌های کاملاً متفاوت سینمایی بودند که هر یک از زاویه‌ای منحصر به فرد به جهان نگاه می‌کردند: آثار کوروساوا ویژگی‌هایی دارد که از میان برجسته‌ترین‌ها می‌توان به دراماتیک و حماسی بودن اشاره کرد، فیلم‌های او مانند «راشومون» و «هفت سامورایی» از نظر ساختاری حماسی و از نظر تصویری پرجزئیات بودند. او در بازتابی احساسات انسانی اغراق می‌کرد تا به شدت درام بیفزاید.

تمرکز بر اخلاق و فلسفه و تکنیک محوری از دیگر ویژگی‌های اصلی آثار اوست، آثار کوروساوا اغلب به مسائل اخلاقی، عدالت، و پیچیدگی‌های انتخاب انسانی می‌پرداختند. او همچنین استاد استفاده از تکنیک‌های سینمایی مانند حرکت دوربین و نورپردازی بود. اما کیارستمی در فیلمسازی مسیری کاملاً

متفاوت را در پیش رو دارد؛ سینمای او مینیمالیست و ساده‌گراست، کیارستمی سعی داشت ساده‌ترین لحظات زندگی را با عمیق‌ترین معانی همراه کند. فیلم‌هایی چون «خانه دوست کجاست؟» نمونه‌ای از این نگاه‌اند. تمرکز بر طبیعت و روزمرگی و همچنین ابهام و سکوت از دیگر شاخصه‌های آثار او هستند؛ او در فیلم‌هایش از بازیگران غیر حرفه‌ای، لوکیشن‌های طبیعی، و گفت‌وگوهای عادی استفاده می‌کرد و درست در مقابل تأکید کوروساوا بر دیالوگ و تصویرهای دراماتیک، کیارستمی اغلب به سکوت، عدم قطعیت، و فاصله‌گذاری توجه داشت.

با وجود این تفاوت‌ها، هر دو هنرمند در تلاش بودند تا تجربه‌های انسانی را به شیوه‌ای جهانی بازتابی کنند. آثار هر دو، به نوعی، مخاطب را به تفکر عمیق درباره زندگی دعوت می‌کرد.

رابطه میان این دو فیلم‌ساز تنها به سینما محدود نمی‌شود، بلکه بازتاب‌دهنده تفاوت‌ها و شباهت‌های نگاه فلسفی آن‌ها به هنر و زندگی است.

کوروساوا علاقه‌مند به انسان‌گرایی عمیق است و در فیلم‌های او، انسان در برابر قدرت‌های طبیعی یا اجتماعی قرار می‌گیرد، اما همواره انتخاب اخلاقی و اراده انسانی به عنوان راه حل ارائه می‌شود. توجه به نظم و جزئیات نیز از دیگر شباهت‌هاست، کوروساوا به شدت به نظم و دقت در کار اهمیت می‌داد. او حتی در انتخاب بازیگران، طراحی صحنه و لباس، و تنظیم دوربین وسواس داشت.

کیارستمی نیز به ابهام و آزادی مخاطب تأکید داشت و بر این باور بود که هنر نباید پاسخ بدهد، بلکه باید سؤال ایجاد کند. او در مصاحبه‌ای گفته بود: «من به دنبال داستان‌هایی هستم که پایان ندارند؛ چرا که زندگی هیچ‌گاه تمام نمی‌شود».

در فیلم‌های کیارستمی، طبیعت همواره یک عنصر زنده و پویا بود، چیزی که شاید به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر نگاه شرق آسیا به طبیعت باشد. کوروساوا نماینده ژاپنی بود که به شدت به تاریخ و فرهنگ سرزمینش وفادار بود، اما جهانی اندیشید و آثارش در سراسر جهان به عنوان نماد سینمای ژاپن



آکیرا کوروساوا از جمله فیلم‌سازانی بود که به‌ندرت از هم‌عصران خود به صراحت تعریف می‌کرد، اما درباره کیارستمی استثنا قائل شد. او فیلم‌های کیارستمی را ستایش می‌کرد و معتقد بود که آثار او توانسته‌اند حقیقت زندگی را با سادگی و شاعرانگی به تصویر بکشند

شناخته شدند. کیارستمی نیز نماینده‌ای برای ایران بود، اما با زبانی جهانی سخن گفت.

کوروساوا درباره سینمایی گفت: «فیلم‌ها پلی میان فرهنگ‌ها هستند؛ زبانی که نیازی به ترجمه ندارد.» این نگاه با شیوه کار کیارستمی هماهنگی داشت. او نیز معتقد بود که سینما، زبانی جهانی است و می‌تواند شکاف میان فرهنگ‌ها را پر کند.

نقطه عطفی در زندگی کیارستمی

تحسین کوروساوا از کیارستمی نه تنها به تأیید جایگاه جهانی کیارستمی کمک کرد، بلکه باعث شد مخاطبان ژاپنی و آسیای شرقی نیز بیشتر به سینمای ایران توجه کنند. از سوی دیگر، نگاه جهانی کوروساوا به کیارستمی نشان داد که می‌توان با وفاداری به هویت بومی، روایت‌هایی جهانی خلق کرد.

روایت‌های موجود از زندگی شخصی و ارتباط میان آکیرا کوروساوا و عباس کیارستمی عمدتاً از طریق گفته‌ها، نامه‌ها، و مصاحبه‌هایی که این دو درباره یکدیگر انجام داده‌اند، بازتاب یافته است. اگرچه شواهدی از دیدار حضوری یا ارتباط مستقیم مداوم میان آن‌ها وجود ندارد، اما این رابطه بیشتر از طریق تحسین متقابل و تأثیرات غیرمستقیم در آثارشان قابل ردیابی است. در ادامه، این جنبه‌ها از تبادلات ابررسی می‌کنیم. یکی از مهم‌ترین روایت‌ها از زندگی شخصی این